

دودوتا، یک میلیون تا!

طه از لای پرده به بیرون نگاه کرد، «باز هم سوت کشید! آقامیرزا خواست دستمال را بردارد تا سینی را خشک کند ولی طه پیش دستی کرد، صد بار بهشون گفتم این سیستم صوتی، ریق رحمت رو سرکشیده ولی به خرجشون نرفت که نرفت! سیستم صوتی نیست که سیستم سوتیه! آقامیرزا لیخندی زد و گفت «از کجا مطمئنی؟» طه



رضا احسان پور
نویسنده، مترجم و نظریه پرداز

دستمال را پشت رو کرد و کشید پشت سینی «از کجا مطمئنم که چی؟ که سیستم خرابه؟! که به خرجشون نرفته؟! آقامیرزا سینی خشک شده را از دست طه گرفت و گذاشت روی میز، نه! منظور اینه که...» طه با دل خوری پرید وسط حرف آقامیرزا، «دست شما درد نکنه! یعنی دروغ می گم؟ خودتون که شنیدید! آقامیرزا لیخندی زد، «استغفر...! مگه مداح هم دروغگو می شه؟! طه با اوقات تلخی رفت سراغ استکان ها، نه خب ولی مگه ما مداح ها مصومیم؟ ما هم آدمیم و ممکن الخطا! نه؟! آقامیرزا استکان ها را دوتا دوتا از دست طه گرفت و چید توی سینی، «به نظرت توی این سینی چند تا استکان جا می شه؟» طه با اخم، نگاهی به سینی و بعد به اندازه استکان ها انداخت، «نمی دونم، پنجاه یا شصت تا! آقامیرزا گفت، «چهل و چهار تا! طه گفت، «خب؟! حالا که چی؟» سینی که پر شد آقامیرزا گفت، «فقدون رو بذار توی سینی،» طه برای اینکه جا برای قندان باز شود چهار تا از استکان ها را گذاشت کنار، آقامیرزا گفت، «حالا شد چهل! میکروفون دوباره سوت کشید، سخنران، مردم را دعوت کرد به فرستادن سه صلوات محمدي بسند تا سوت میکروفون بخوابد، طه باز به سمت پرده رفت و با نگرانی نیم نگاهی به بیرون

انداخت، «آگه وسط مداحی سوت بکشه چی؟ هزار بار بهشون گفته ام من مداحم، مخالف خون تعزیه نیستم که بخراشیده بخونم! آقامیرزا بخار قوری را با دست زد سمت دماغش و گفت «نعلبکی ها رو بیار بذار تو سینی،» طه چهل تا استکان شمرد و گذاشت روی میز، آقامیرزا گفت «بذار توی سینی تا چایی بریزم،» طه دوباره چهار استکان از داخل سینی، کنار گذاشت و نعلبکی ها را در دستون، روهم چید توی سینی آقامیرزا زیر لب بمس... گفت و قوری را بلند کرد، اولین استکان را که پر کرد گفت «حالا شد سی و شش تا، نه؟! طه گفت «باشه! سی و شش تا! بازی ریاضیه مگه؟! آقامیرزا نصف استکان ها را تا نیمه پر کرد که قوری را داد دست طه و چهار نعلبکی از روی نعلبکی ها برداشت، «پس آگه سی و شش تا استکانه، چرا چهل تا نعلبکی گذاشته ای؟! طه که بدجوری کیش و مات شده بود، بدون اینکه چیزی بگوید و به روی خودش بیاورد، چسبیده به یختن چایی توی مابقی استکان ها، آقامیرزا لیخند ریزی زد، «شانه طه را بوسید و گفت، «یه بار می گی صد بار بهشون گفته ام، یه بار می گی هزار بار! طه قوری را گذاشت روی گاز، کتری را بلند کرد و گفت، «صد و هزار و یه میلیون و این ها؟! از سه بار؟! از ده بار؟! از سی و شش بار؟! طه گفت نمی دونم! آقامیرزا گفت، «آره! ما معصوم نیستیم ولی مداح آگه اصطلاحی بشه، هفتاد و دو هم ممکنه کم کم بشه صد و هزار و یه میلیون و نمی دونم و این ها! میکروفون باز هم سوت کشید و مردم صلوات بلندی فرستادند.

چمدان

مقتل خوانی در ریوند داورزن



برگزاری مراسم عزاداری حسینی در اقصی نقاط ایران آداب و عناصر گوناگونی دارد که می تواند یکی از جاذبه های هر شهر و روستا باشد. یکی از مهم ترین عناصری که در روزهای عزاداری امام حسین (ع) در روستای ریوند داورزن در استان خراسان رضوی برگزار می شود، تعزیه میقتل است. این مراسم هر سال در روز عاشورا برگزار می شود و از صبح تا عصر ادامه دارد. موضوعی که برپای این مراسم رابه لحاظ ثبت میراث فرهنگی با اهمیت کرده است. توجه به حفظ اصالت های فرهنگی و محلی است که سعی می شود از طریق پنج عنصری که طی این مراسم در محوریت است به آن توجه شود. مراسمی با عنوان «فرهست گردانی نیز در شب عاشورا در منزل یکی از اهالی برگزار می شود که در واقع مقدمه ای است برای تعزیه میقتل. در این مراسم نقش ها و نسخه های تعزیه از سوی فرهست گردان میان تعزیه خوانان پخش می شود. در مراسم مقتل خوانی بر خلاف بیشتر مجالس تعزیه که روایت به شهادت رسیدن یکی از بزرگان دین است، بیشتر وقایع عاشورا به نمایش گذاشته می شود که از جمله آن ها ماجرای به شهادت رسیدن حر و فرزندش، حضرت علی اکبر (ع)، حضرت قاسم (ع)، حضرت عباس (ع)، حضرت علی اصغر (ع)، امام حسین (ع) و عیبا... فرزند امام حسن (ع) است.

هنر عصری که در برگزاری مراسم مورد توجه است:

میدان اجرا، نحوه اجرا، لباس و ادوات، موسیقی متن، اشعار تعزیه

ادوات مورد استفاده برای تعزیه:

شویور، فلوت، دهل

قدمت: بیش از ده سال

۲۶۹ کیلومتر

فاصله مشهد تا ریوند

زمان رسیدن به مقصد ۳

آواهای

عاشورایی

مداحی ای علم افراشته بر سر ایوان عشق، با صدای حاج محمود کریمی یکی از ماندگارترین قطعات مداحی در رثای حضرت عباس (ع) است. برای شنیدن این مداحی که رو به رو را اسکن کنید.



دمای هوای مشهد

۲۹٪
۳۴° ↑ ۲۰° ↓
صبح ۲۳
ظهر ۳۳
عصر ۲۶
شب ۳۲

اوقات شرعی مشهد

اذان ظهر ۱۲:۳۷:۴۰
نیمه شب شرعی ۲۳:۴۹:۱۵
غروب آفتاب ۱۹:۳۴:۳۳
اذان صبح فردا ۰۴:۰۵:۰۸
اذان مغرب ۱۹:۵۴:۲۴
طلوع آفتاب فردا ۰۵:۴۱:۳۵

SHAHRARANEWS.IR

شماره ۶
مرداد ۱۳
۱۴۴۴
شماره ۳۷۷۹

شنبه

Mashhadchehreh.ir

Photoshahr.ir

میثاق نامه اخلاق حرفه ای



- روزنامه فرهنگی-اجتماعی-اطلاع رسانان
- صاحب امتیاز و مدیر مسئول: شهرداری مشهد
- مدیر عامل: سید مهتم موسوی مهر
- سردبیر: سید سجاد طلوع هاشمی
- نشانی: میهن گاه ۱
- دفتر مرکزی: ۳۷۷۸۸۸۱۱
- نمایندگی: ۳۷۷۳۸۳۱۰
- روابط عمومی: ۳۷۷۴۴۳۱۰
- شماره پیامک: ۳۰۰۷۲۸۹

خیمه شهر



طرح: جلال حاجی زاده

موکب یک نفره



عصر عاشورا کنار خیمه گاه

عزاداری وارد بین الحرمین می شوند و با مراسم خاص خودشان شروع به روضه خوانی می کنند. روز عاشورا همه کربلا به رنگ سیاه و قرمز است و هر کجا را که نگاه می کنی یک علم غمناک بینی. خورشید به وسط آسمان می رسد و زمان، زمان نماز است. آن هم نماز ظهر عاشورا. نماز را که می خوانی صدای هلهله در شهر شنیده می شود. بزرگ ترین هیئت عزاداری جهان با شعار (لیک یا حسین) و (یا ثارات الحسین) وارد کربلا می شوند. هیئتی که جمعیت آن گاهی به ۲۰۰ هزار نفر هم می رسد. عزاداران این هیئت با سروای برهنه و هروله کنان به سوی حرم ابا عیبا... می دوند و پس از زیارتی کوتاه، به سوی حرم قمر بنی هاشم (ع) شروع به حرکت می کنند و پس از زیارت در آن مکان به طرف خیمه گاه حرکت می کنند. حضور در میان این هیئت شاید یکی از عجیب ترین صحنه های زیارت را رقم زد. زمانی که از فشار جمعیت تا مرز گفتن شهادتین هم پیش رفتی، اما در این بین خون از دماغ یک نفر هم نیامد.

عصر عاشورا کنار خیمه گاه

کم کم خورشید خجالت می کشد و از شدت گرمایش کم می کند. شهر اما داغ مصیبتی را دارد که از ۱۴ قرن پیش هنوز هم تازه است. فکرمی کنم دهخدا در لغتنامه اش بی سلیقی کرده است. بهتر بود برای معنا و مفهوم کلمه غربت می نوشت: عصر عاشورا کنار خیمه گاه! شام غریبان طفلان حسین رمق و جان شهر فقط مصیبت و غم می بارد...
● ذکر شهادتین در میان هیئت طویریچ هنوز اذان صبح تمام نشده که عده ای برای

چکمه های حسینی



ابن حسام خوسفی

دل شکسته و مجروح و مبتلای حسین

طواف کرد شیبی گرد کربلای حسین

طراز طره مشکین عبر افشانش

خضاب کرده خون، خصم بی وفای حسین

قدر چو واقعه کربلا مشاهده کرد

ز چشم چشمه خون راند بر قضای حسین

نشسته بر سر خاکستر آفتاب مقیم

کیودپوش به سوگ از پی عزای حسین

روایت



عکس: محمدعلی شهرآرا

توی خیال من روضه می خوانم

سید محمد رضا هاشمی

حفظ شده است. «علم کشی» در شب هفت محرم به یاد و نام ابوالفضل عباس (ع) یکی از مهم ترین این سنت ها است. صبح روز ششم عده ای از بزرگ ترهای هیئت دور هم جمع می شوند. پارچه های رنگی و دیگر لوازم علم را می آورند و در حالی که روضه آقا ابوالفضل عباس (ع) خوانده می شود علم بسته می شود. علم نماد ایستادگی و شجاعت آقا قمر بنی هاشم است. مردی که در کربلا امید بچه های حرم بود و حالا سال هاست که ارادتمندان خاندان اهل بیت با واسطه کردن نام ایشان از خدا حاجت خود را می گیرند. عزاداران وارد هیئت می کنند و همه به احترام صاحب علم از جا بلند می شوند. علم در حرم هم یک کنج مشخص دارد. هیئت ها ظهر عاشورا در صحن انقلاب دور هم جمع می شوند و تا همین چند سال قبل که ورود علم به حرم آزاد بود هر هیئتی با علم خود به حرم می آمد و عزاداران دور علم می خواندند:

ای اهل حرم میر و علم دار نیامد.

برای تماشا مراسم علم کشی مهاجران افغانستانی در مشهد که رو به زور را اسکن کنید.



غبار رویی دل

واکس زدن نذری در کربلا

عباس مهدی زاده

ناگهان سر کار گرم آمده و من گفت: «مژدگانی بده!» و یک دفعه یکی از دوستانم خطاب به من فریاد زد: «مهدی زاده! اسمت برای کربلا در آمده...» من دیگر سراز پانمی شناختم، اشک در چشمانم حلقه زد. کربلا... من! من! که تا به حال مشرف نشده بودم. حسن و حال عجیبی داشتم. در یکی از شب ها در کربلا بچه ها در آسایشگاه مشغول استراحت بودند که ناگهان با صدایی از خواب بیدار شدم. متوجه شدم که یکی از دوستانم در حال واکس زدن کفش های بچه هاست. به او گفتم: «این موقع شب تو خواب نداری؟!» که یک دفعه جلودانم را گرفت و گفت: «هییس... کسی چیزی نفهمه... نذر کرده بودم که پام به کربلا برسه کفش خادمای امام حسین (ع) رو واکس بزنم، و من هم سکوت کردم و به یاد زمندگانی افتادم که در دفاع مقدس پوتین های هم زمانشان را صلواتی واکس می زدند.

خاطرات کاروان مشهدی خدام الحسین (ع)

برگرفته از کتاب «غبار رویی دل»



شب های محرم در خیابان احمدآباد مشهد

عکس روز

عکس: محمد حسن صلواتی | فوتوشهر

